



## نکاتی از مقام معظم رهبری درباره

محمد صادق محسن زاده

### عاشورا، چرا؟

چرا عاشورا اتفاق افتاد؟ ریشه در چه مسائلی داشت؟ چه درسها و پیامهایی دارد؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤاها باید جریان عاشورا را بازشناسی کنیم تا بتوانیم حقیقت آن را دریافته، از آموزه‌هایش بهره‌گیریم.

در نوشته پیش رو سعی مان بر این است تا به گوشه‌ای از دیدگاهها و نظریات ولی امر مسلمین حفظه الله در این باره اشاره کنیم.

بدون شک، این جریان را باید بزرگ‌ترین مصیبت دانست؛ فاجعه‌ای

بس بزرگ و تکان‌دهنده و بی‌نظیر که روح هر آزاداندیشی را آزرده‌خاطر می‌کند؛ همچنان‌که در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «لَقَدْ عَظَّمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظَّمَتِ الْمُصِيبَةُ؛ اما چگونه کار به اینجا رسید که بزرگ‌ترین فاجعه انسانی به دست شقی‌ترین افراد بر ضد برترین افراد، یعنی آل الله روی داد. به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) «جا دارد ملت اسلام فکر کند که چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر ﷺ کار کشور اسلامی به جایی رسید که همین مردم مسلمان از وزیرشان، امیرشان، سردارشان، عالیشان، قاضی‌شان،

معنایش این است که جامعه اسلامی در طول این پنجاه سال، از معنویت و حقیقت اسلام تهی شده است؛ ظاهرش اسلامی است؛ اما باطنش پوک شده است. خطر اینجاست. نمازها برقرار است، نماز جماعت برقرار است، مردم هم اسمشان مسلمان است و عده‌ای هم طرفدار اهل بیت اند!<sup>۲</sup>

#### جداشدن از سرچشمه زلال امامت

رهبر فرزانه انقلاب، این مسئله را یک نزاع شخصی و قبیلگی نمی‌داند؛ بلکه آن را یک جریانی انحرافی می‌داند که بعد از رحلت رسول الله ﷺ شروع شد و در روز عاشورا به منصفه ظهور نشست.

این حادثه، معلول یکسری علتها و زمینه‌هایی است که نقطه آغازین آن، ماجرای سقیفه است. مرحوم نیر تبریزی با اشاره به همین مطلب، چنین سروده است:

۱. سخنرانی در جمع فرماندهان و بسیجیان لشکر ۲۷ محمد رسول الله، عاشورای ۷۲، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۶/۲/۲۶.
۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ اردیبهشت، به نقل از: عبرت‌های عاشورا، سید احمد خاتمی، بوستان کتاب، چهارم، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۶۸.

قاری‌شان گرفته، در کوفه و کربلا جمع بشوند و جگرگوشه همین پیغمبر ﷺ را با آن وضع فجیع به خاک و خون بکشند؟ آدم باید به فکر فرو برود که چرا این‌گونه شد؟... کار به جایی برسد که جلوی چشم مردم، حرم پیامبر ﷺ را بیاورند توی کوچه و بازار، به آنها تهمت خارجی بزنند.<sup>۱</sup>

#### تهی‌شدن جامعه از معنویت

ایشان به مسئله عاشورا، فقط از بعد یک حادثه و واقعه و یک حماسه معمولی نگاه نمی‌کند؛ که بعد از گذشت، به بوتۀ فراموشی سپرده شود، بلکه در دیدی عالمانه، هوشیارانه و مآل‌اندیشانه به چرایی آن واقعه عظیم و تحلیلش می‌پردازد و می‌فرماید:

«عبرت اینجاست که چه کار کنیم [تا] جامعه آن‌گونه نشود. ما باید بفهمیم آنجا چه شد که جامعه به اینجا رسید... هیچ کس تصور هم نمی‌کرد؛ اما همین حادثه باور نکردنی، همین حادثه عجیب و حیرت‌انگیز اتفاق می‌افتد. چه کسانی کردند؟ همانهایی که به خدمتش می‌آمدند و سلام و عرض اخلاص هم می‌کردند. این یعنی چه؟

می فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَغْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»<sup>۲</sup> «پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند و بزودی [مجازات] گمراهی خود را خواهند دید.» ایشان با توجه به آیه فوق، دو عامل را از عوامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی دانسته، آن دو را چنین بیان می‌کند:

«یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است؛ یعنی فراموش کردن خدا و معنویت و جدا کردن حساب معنویت از زندگی و فراموش کردن توجه و ذکر و دعا و توسل و توفیق از خدای متعال و توکل بر خدا و کنار گذاشتن محاسبات خدایی از زندگی و عامل دوم «اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ» است؛ یعنی دنبال شهوات آنها و هوسها و در یک جمله «دنیاطلبی» رفتن به فکر جمع‌آوری ثروت و مال بودن و التذاذ و به دام شهوات دنیا افستادن و اصل دانستن اینها و

کانکه طرح بیعت شورا فکند  
خود همانجا طرح عاشورا فکند  
چرخ در یثرب رها کرد از کمان  
تیر، کاندر نینوا شد بر نشان<sup>۱</sup>  
انحراف مسیر رهبری پس از  
رسول الله ﷺ و جدایی مسیر خلافت  
از سرچشمه زلال امامت، امت و  
جامعه اسلامی را به آفتابایی دچار کرد.  
در نتیجه کم کم جامعه اسلامی از مسیر  
ترسیم شده رسول اکرم ﷺ دور شد و  
فاصله‌ها میان آن مدینه فاضله - که  
خاتم انبیا ﷺ تأسیس کرده بود - با  
جامعه آن روز پدید آمد. کسانی به  
قدرت رسیدند که خلافت اسلامی را  
به پادشاهی و سلطنت تبدیل کرده و  
اجتماع مسلمانان را از ارزشها دور و  
تهی کردند. آنان، خطوط اصلی و  
معیارهای اصیل این دین مبین را  
تضعیف و ارزشهای جاهلی را که  
پیامبر ﷺ کنار زده بود، دوباره  
جایگزین کردند.

#### گمراهی و انحراف عمومی

رهبر اندیشمند انقلاب که خود  
در دانشنای امت اسلامی‌اند، به این  
پرسشها با آیه‌ای از قرآن کریم پاسخ

۱. دیوان آتشکده، نیر تبریزی، ص ۵۹

۲. مریم/۵۹

فراموش کردن آرمانها، این درد اساسی و بزرگ است و ما هم ممکن است به این درد دچار شویم.<sup>۱</sup>

### کوتاهی خواص از انجام رسالت

#### خویش

نکته‌ی مهم این است که از مهم‌ترین زمینه‌سازهای قیام امام حسین علیه السلام کوتاهی خواص از انجام رسالتشان بود؛ همچنان‌که سالار شهیدان درباره‌ی کوتاهیها و سستیها و سهل‌انگاریهای عالمانِ درباری و خواصی که سکوت را اختیار کرده بودند، بیانی توییح‌آمیز و تلخ دارد و به آنان می‌فرماید: «شما با دیدن عهد الهی که شکسته می‌شود فریاد بر نمی‌آوردید و با ستمگران با مداهنه و سازشکاری رفتار می‌کنید... شما ستمکاران را بر خود چیره ساختید و کارها را به دست آنان سپردید... فرار شما از مرگ به سبب دل‌بستن به این زندگی ناپایدار بود. در نتیجه، مستضعفان را به دست ستمگران سپردید.»<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری نیز نقش خواص را در ساختن تاریخ بسیار مهم می‌داند و درباره‌ی کوتاهی خواص از

انجام رسالت خویش و نتیجه‌ی سکوت آنها چنین می‌فرماید: «اگر کسانی که برای جانشان راه خدا را ترک می‌کنند، آنجا که باید حق بگویند نمی‌گویند، چون جانشان به خطر می‌افتد از ترس جان و از ترس از دست دادن مال و از ترس دادن مقام و پست از ترس منفور شدن، و تنها ماندن، حاضر می‌شوند حاکمیت باطل را قبول کنند و در مقابل باطل نمی‌ایستند و از حق طرفداری نمی‌کنند، وقتی که این‌طور شد، آن وقت، دیگر «حسین بن علی»ها به مسلخ کربلا خواهند رفت، به قتلگاه کشیده خواهند شد، یزیدها بر سر کار می‌آیند، امامت به سلطنت تبدیل می‌شود و... وقتی امام حسین علیه السلام قیام کرد؛ خیلی از همین خواص، پیش امام حسین علیه السلام نیامدند تا به او کمک کنند...»

تصمیم‌گیری خواص در وقت لازم، تشخیص خواص در وقت لازم،

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نیروهای مقاومت بسیج، ۷۱/۴/۲۳.  
 ۲. پیام‌های عاشورا، جواد محدثی، زمزم هدایت، هفتم، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۹۹.

## انحراف مسیر رهبری پس از رسول الله ﷺ و جدایی مسیر خلافت از سرچشمه زلال امامت، امت و جامعه اسلامی را به آفت‌هایی دچار کرد

گذشت خواص از دنیا در لحظه لازم، اینهاست که تاریخ را نجات می‌دهد، ارزشها را حفظ می‌کند.<sup>۱</sup> بزرگان هر جامعه‌ای باید حق و باطل را بشناسند و جانانه از حق دفاع کنند. عوام هر جامعه‌ای نیز دنباله‌رو خواص‌اند و راه آنها را ادامه می‌دهند؛ از این روست که اگر خواص ساکت نشستند و کم‌کاری کردند، گناهشان بس بزرگ خواهد بود.

### چه کنیم که عاشورا تکرار نشود؟

که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرمود: «بی‌بصیرتها بدون اینکه بدانند، فریب می‌خورند و در جبهه باطل قرار می‌گیرند.»

اول اینکه با درسهای عاشورا و پیامهای آن آشنا شویم و آنها را به کار بندیم؛ پیامهای آن عاشورایی که دانشگاهی بزرگ و مکتبی انسان‌ساز است.

ان‌شاء الله بتوانیم با بصیرت کامل و با زه‌گیری از منویات رهبر بصیر و دلسوزمان از درسها و پیامها و عبرتهای عاشورا پند گرفته، راه آن مکتب را ادامه دهیم و ذره‌ای از پیروی از حق کوتاهی نکنیم.

دوم اینکه بدانیم عاشورا غیر از درس، یک صحنه عبرت است و به قول ولی امر مسلمانان (مدظله العالی): «انسان باید در این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد. عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب و فرزندان انقلاب در جامعه منزوی شوند.»

سوم اینکه بصیرت داشته باشیم

۱. بخشی از سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع فرماندهان و بسیجیان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ در ۷۵/۳/۲۰، روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۶/۲/۲۵.